رئیس جمهور امریکا برای حمایت از مهم‌ترین شریک خاورمیانه‌ای این کشور، فرمان ارسال کمک‌های تسلیحاتی را صادر کرد

حرکت بایدن بر لبه تیغ تل‌آویو

زهره صفاری/ شدت حملات حماس به مواضع رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی، سران کاخ سفید را با نگرانی از دست دادن مهم‌ترین شریک و بازوی اجرایی امریکا در خاورمیانه چنان به تکاپو انداخته است که جو بایدن دستور کمک نظامی به تل آویو را در دومین روز تقابل بزرگ سرزمین‌های اشغالی و غزه صادر کرد. اما فارغ از انتقاداتی که به ناکارآمدی سیاست‌های رئیس جمهور امریکا در خاورمیانه در داخل و خارج از مرزهای این کشور وارد است، نکته قابل تأمل در برهه فعلی این است که با کرسی خالی رئیس مجلس نمایندگان و مشکلات حل نشده بودجه، اختلاف کاخ سفید و جمهوریخواهان و حتی خطر سرایت جنگ به خارج از فلسطین و سرزمین‌های اشغالی، واشنگتن تا کجا می‌تواند به وعده‌های خود برای کمک به اسرائیل عمل کند. به گزارش پولیتیکو، بایدن در حالی در دومین روز تقابل وسیع حماس و اسرائیل، فرمان حرکت ناوهای امریکایی و اعزام جنگنده‌ها را صادر کرده است که روابط رئیس‌جمهور امریکا با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در چند ماهه اخیر بر سر اصلاحات جنجالی قضایی تیره و تار شده است. با این وجود پس از تماس تلفنی بایدن با نتانیاهو، پنتاگون اعلام کرد تسلیحات اضافی به اسرائیل فرستاده و ناوهای جنگی به نشانه حمایت از این رژیم به مرزهای فلسطین و سرزمین‌های اشغالی نزدیک‌تر شده است.

لوید آستین، وزیر دفاع امریکا در این باره گفت: «من دستور حرکت ناو هواپیمابر جرالد آر فورد و ۵ رزمناو و ناوشکن موشک‌های هدایت شده را صادر کردم و در حال حاضر آنها در دریای مدیترانه و در بخش شرقی دریا نزدیک اسرائیل در حال حرکت هستند.»

بنا بر اعلام مقامات امریکایی، این ناوهای جنگی در مسیر قرار دارند اما چند روزی طول می‌کشد تا به مقصد برسند.

آستین با تأکید بر افزایش تجهیزات هجومی در منطقه خاطر نشان کرد: «هدف امریکا از افزایش شمار جنگنده‌های جنگی و هواپیماهای بمب‌افکن در منطقه، تقویت اقدامات بازدارندگی و همچنین حمایت از اسرائیل است.»

براساس گزارش پنتاگون، فهرست تجهیزاتی که برای اسرائیل تدارک دیده و ارسال شده شامل ناو هواپیمابر جرالد آر فورد، رزمناور تیکوندروگا کلس نورماندی و ۴ ناوشکن هستند و جنگنده‌های اف ۳۵، اف ۱۶ و ای ۱۰ نیز قرار است در منطقه به کار گرفته شود. اما در این میان شاید مهم‌ترین بسته تسلیحاتی امریکا به اسرائیل بمب‌افکن استراتژیک بی ۵۲ باشد که ارسال آن به سرزمین‌های اشغالی به طور جدی در دست بررسی قرار گرفته است.

مقامات وزارت دفاع امریکا بر این باورند این اقدام امریکا برای تجهیز بیشتر اسرائیل از یک سو سیاست پیشگیرانه برای ممانعت از ورود گروه‌های حامی فلسطین به میدان نبرد با اسرائیل است و از سوی دیگر کارشناسان معتقدند این تقویت قوای نظامی منطقه‌ای تضمینی برای حفظ منافع امریکا و امریکایی‌ها در منطقه است.

ژنرال مایکل کوریلا، رئیس مرکز فرماندهی امریکا نیز با تأکید بر این موضوع در بیانیه‌ای نوشت: «حمایت کامل از اسرائیل و شرکای منطقه‌ای برای جلوگیری از وسعت یافتن این جنگ است.»

نگرانی‌های امریکا برای توسعه یافتن این جنگ به خارج مرزهای اسرائیل و فلسطین حتی پروسه تخلیه هزاران امریکایی را از سرزمین‌های اشغالی کلید زده است. اما پنتاگون اعلام کرد هنوز مشخص نیست این افراد چگونه از منطقه خارج شوند و شاید برای حفظ امنیت آنها، انتقال با ناوهای جنگی انجام پذیرد.

نگرانی از خالی شدن ذخایر

کمک نظامی بیش از ۳ میلیارد دلاری به رژیم صهیونیستی، یکی از سرفصل‌های بودجه سالیانه امریکاست و آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا معتقد است تاکنون بخشی از این محموله تسلیحاتی را در اختیار اسرائیل قرار داده است. پنتاگون همچنین از ذخیره محموله‌های تسلیحاتی به ارزش ۲ میلیارد دلار در ۶ بخش اسرائیل خبر داده است. این ذخایر مهمات لازم پنتاگون برای جنگ‌های احتمالی در خاورمیانه را تأمین می‌کند و اسرائیل تنها در صورت ضرورت، مجوز استفاده از آنها را دارد.

اما به باور تحلیلگران نیویورک‌تایمز، در برهه فعلی بازکردن این انبارها با اما و اگر همراه شده است. در حال حاضر تعدادی از راکت‌های ۱۵۵ میلیمتری از انبارهای اسرائیل به اوکراین فرستاده شده است و ناظران نظامی معتقدند اسرائیل نباید از آنها در تقابل با حماس استفاده کند چراکه اگر این نبرد در خاورمیانه وسیع‌تر شود میزان ذخایر انبارها برای تقابل به قدر کافی نخواهد بود. به همین دلیل نیز با وجود وضعیت اضطراری که برای اسرائیل پس از حمله غافلگیرکننده حماس پیش آمده است همچنان مقامات امنیتی امریکا با نگرانی از کمبود تسلیحات برای نبردهای احتمالی پیش‌رو، برای تخصیص این ذخایر به اسرائیل با تردید روبه‌رو هستند.

> براساس گزارش پنتاگون، فهرست تجهیزاتی که برای اسرائیل تدارک دیده و ارسال شده شامل ناو هواپیما بر جرالد آر فورد، رزمناور تیکوندروگا کلس نورماندی و ۴ ناوشکن هستند و جنگنده‌های اف ۳۵، اف ۱۶ و ای ۱۰ نیز قرار است در منطقه به کار گرفته شود. اما در این میان شاید مهم‌ترین بسته تسلیحاتی امریکا به اسرائیل بمب‌افکن استراتژیک بی ۵۲ باشد که ارسال آن به سرزمین‌های اشغالی به طور جدی در دست بررسی قرار گرفته است

چالش بایدن و مجلس نمایندگان

فرمان اول بایدن برای ارسال کمک‌های تسلیحاتی به اسرائیل چندان دردسری نداشت اما به نوشته تحلیلگران سایت گلوب‌اند میل، معضل اصلی زمانی پیش خواهد آمد که رئیس‌جمهور امریکا برای کمک‌های بیشتر به رژیم صهیونیستی ناگزیر به گرفتن مجوز از کنگره باشد. گرچه اکثریت جمهوریخواه مجلس نمایندگان در پروسه کمک به اسرائیل چالش جدی با کاخ سفید ندارند اما مشکل این است که هفته گذشته با تلاش ۸ جمهوریخواه افراطی، کوین مک کارتی، رئیس این مجلس به جرم ممانعت از تعطیلی دولت و فرصت دادن به کابینه دموکرات بایدن برای تعیین تکلیف بودجه، از کار برکنار شد و کرسی او خالی ماند و هنوز تکلیف جانشین او مشخص نشده است. ضمن اینکه تعیین جانشین بعدی نیز شاید نتواند مشکل بودجه و تعطیلی دولت را برطرف کند و همین امر بایدن و تیمش را در ادامه کار به دردسر بیندازد. در عین حال نکته پرابهام آن است که اگر حتی جمهوریخواهان به اتفاق، بسته حمایتی مورد نظر بایدن به اسرائیل را تصویب کنند آیا این مصوبه بدون تأیید رئیس مجلس قابل اجراست یا خیر. این در شرایطی است که امریکا همواره کمک‌های بسیاری به اسرائیل در برهه‌های مختلف داشته که از جمله آنها می‌توان به تقابل ۲۰۲۱ اسرائیل و حماس اشاره داشت که سهم امریکا از تسلیحات موشکی این جنگ حدود یک میلیارد دلار بود. در عین حال گفته می‌شود فارغ از کرسی خالی ریاست مجلس نمایندگان و مشکلاتی که ممکن است سد راه اهداف حمایتی بایدن از اسرائیل شود، مشکل اصلی وجود شماری از مخالفان اسرائیل در هر دو حزب است. رشیده طلیب نماینده دموکرات فلسطینی-امریکایی دیترویت یکی از شاخص‌ترین آنهایی است که می‌تواند در روند توافقات کنگره با بایدن در این حوزه خلل وارد کند. به نوشته سی بی‌اس نیوز، کریس کریستی، یکی از نامزدهای انتخاباتی جمهوریخواهان در ۲۰۲۴ گفت: «رئیس‌جمهور از کنگره خواست برای تعیین تکلیف کمک‌ها به اسرائیل نشست اضطراری تشکیل دهد اما نمی‌توان توقع داشت این مجلس بدون رئیس بتواند به نتیجه‌ای برسد.»

توافق بلاتکلیف

آنچه در این روزها در اکثر محافل تحلیلی به عنوان انگیزه حمله همه‌جانبه و وسیع حماس به اسرائیل مطرح است و دستاویز کاندیداهای جمهوریخواه انتخابات ۲۰۲۴ برای انتقاد از رئیس‌جمهور شده است، تلاش تیم بایدن برای تسریع در روند عادی‌سازی روابط میان عربستان سعودی و اسرائیل به شمار می‌رود. در ماه‌های اخیر بایدن و تیمش برای اینکه این توافق عادی‌سازی شکل گیرد حتی حاضر به دادن ضمانت‌های امنیتی به عربستان شدند و برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای آن را نیز مورد حمایت قرار دادند اما زمانی که به یک قدمی این قرارداد رسیدند حمله همه‌جانبه حماس توافقات را بلاتکلیف گذاشت. حتی پس از تمام این رایزنی‌ها تلاش‌های آنتونی بلینکن، وزیر خارجه دولت بایدن برای همسو کردن عربستان و کشورهای عرب خلیج فارس با امریکا در حمایت از اسرائیل بی‌نتیجه ماند و فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان در بیانیه‌ای این حملات را پیامد تداوم اشغالگری‌ها و نادیده گرفته شدن حق مردم فلسطین عنوان کرد. در عین حال تحلیلگران امریکایی همچنان پرونده این عادی‌سازی را بسته نمی‌بینند اما معتقدند ممکن است ابعاد جدیدی پیدا کند.

انتقاد به بحران‌سازی

در این شرایط که معامله انجام نشده بایدن، دردسری با این وسعت را به وجود آورده است جمهوریخواهان بویژه نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴، رئیس جمهور امریکا را عامل بحران خاورمیانه می‌دانند. موضوعی که به نوشته تحلیلگران تایمز هند در صورت شدت گرفتن تنش‌ها در منطقه می‌تواند رهبری بایدن را در سطح جهانی و داخلی با چالشی جدی مواجه کند. مأموریت او در این شرایط بسیار دشوار است چراکه او برای در امان ماندن از انتقادات جمهوریخواهان باید بر لبه تیغ حرکت کند و همزمان با حمایت همه‌جانبه‌ای که از اسرائیل دارد، خود را در خاورمیانه بیش از یک آتش‌افروز و رهبر جنگ‌آور، حامی صلح جلوه دهد.

ساعاتی پس از آغاز این حمله، جمهوریخواهان مدعی ریاست جمهوری ۲۰۲۴، حملات خود به بایدن را آغاز کردند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین امریکا آغازگر این نمایش انتقادی بود و پس از او تیم اسکات نیز بایدن و تیمش را به خاطر اعمال سیاست‌ها و مذاکرات نادرست با کشورهای خاورمیانه مسبب این بحران در اسرائیل خواند و او را به نقد کشید.

طوفان‌الاقصی و احتمالات مرتبط با آن

اسرائیل؛ نگون‌بخت‌تر از همیشه

تحلیل روز

مترجم: وصال روحانی

جو بایدن، رئیس جمهور امریکا امیدوار بود با آرام‌تر ساختن اوضاع خاورمیانه حواس‌ها را به سمت چین ببرد و غربی‌ها را در مبارزه‌ای متحدانه علیه دولت پکن بشوراند اما وقوع «طوفان‌الاقصی» که طی آن سازمان حماس و جنبش جهاد اسلامی، اسرائیل را از زمین، هوا و دریا به توپ بستند و مقامات سیاسی و نظامی آن را مستأصل ساختند، نقشه‌های او را بر باد داد. بایدن قول داده کمک‌های نظامی لازم را به تل‌آویو برساند اما احتمالات پرشمار و ابعاد متعددی بر این رویداد بزرگ تازه مترتب است که توضیحات ذیل را می‌طلبد.

این ماجرا تا کجا پیش خواهد رفت؟

رویارویی تازه رزمنده‌های فلسطین و نظامیان اسرائیل که از تمام موارد قبلی وسیع‌تر است، این ظرفیت را دارد که از این هم عظیم‌تر شود و به این سبب امریکا باید محاسبه کند که اضافه بر نیروهای پرتعداد مستقر شده‌اش در منطقه چه تعداد لشکرهای تازه را باید به حوزه درگیری کنونی گسیل دارد. این درحالی است که حماس در منطقه هواداران فراوانی دارد و برای تجهیز این سازمان اشتیاق فراوانی نزد ملل عرب مشاهده می‌شود. این یک احتمال قوی است که دایره شمول مبارزه به نوار غزه منحصر نشود و بیش از پیش به کرانه غربی بسط یابد. البته هستند حکومت‌هایی در منطقه که از ترس واکنش منفی غربی‌ها از کمک‌رسانی آشکار به ملت فلسطین پرهیز می‌کنند و چون این جنگ می‌تواند برنده مشخصی نداشته باشد، شماری از دولت‌های محتاط خاورمیانه ترجیح می‌دهند به آن ورود نکنند. بایدن روز یکشنبه به هر نیروی مخالف اسرائیل هشدار داد، از ورود به عرصه جنگ تازه اجتناب کند و مدعی شد کاخ سفید در ۷۲ ساعتی که از شروع طوفان‌الاقصی می‌گذرد، با بیشتر کشورهای منطقه ارتباط برقرار کرده و پیام‌رسانی‌های لازم را انجام داده است اما به نظر می‌رسد این لافی بیش نباشد.

آیا روند عادی‌سازی روابط سعودی-اسرائیل پایان می‌یابد؟

شکی نیست که طوفان‌الاقصی با هر نتیجه‌ای که پایان یابد، ضربه‌ای سنگین به پروسه عادی‌سازی روابط عربستان با رژیم‌صهیونیستی وارد کرده و ماشین اجرایی آن را مختل ساخته است. به محض شروع حملات حماس به سرزمین‌های اشغالی و ریختن موشک‌ها و خمپاره‌ها روی سر صهیونیست‌ها، هم دولت سعودی و هم اکثر حاکمان کشورهای عربی منطقه پیام‌هایی را در حمایت از فلسطین منتشر کردند و قدر مسلم اینکه حواس کاخ سفید از پروژه برقراری صلح بین ریاض و تل‌آویو پرت و به سوی آرام‌سازی منطقه معطوف شد که پروسه‌ای بس زمانبر است. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان که بالقوه حاکم اصلی سیاسی این کشور است، پیش از وقوع طوفان‌الاقصی نیز کمترین توجه را به موضوع فلسطین بروز می‌داد ولی رژیم‌صهیونیستی که در یک‌سال‌واندی اخیر روند عادی‌سازی روابطش با بحرین، امارات و مراکش را با توفیق‌هایی کم و بیش به پیش رانده بود، حالا باید ابتدا به نجات خود از مهلکه بزرگی بیندیشد که طوفان‌الاقصی برایش به ارمغان آورده و هیچ‌گاه در دل یک جنگ بزرگ زمان و مکان مناسبی برای طراحی صلح با سایر کشورها وجود ندارد. کاخ سفید نیز از توسعه فزاینده نفوذ چینی‌ها در خاورمیانه خشمگین شده و اینک حل توأمان همه این رویکردهای منفی را برای خود بسیار دشوار می‌یابد. پیش از تهاجم تاریخی روز شنبه حماس به سرزمین‌های اشغالی، امریکا چنان با اطمینان از جلب رضایت سعودی‌ها برای عادی‌سازی روابط‌شان با صهیونیست‌ها سخن می‌گفت که انگار اسناد آن را امضا کرده و در کاخ سفید دارد اما اینک کاخ آن آرزوهای سست کاملاً فروریخته است. یک مقام کاخ سفید که ترجیح داد نامش افشا نشود روز دوشنبه گفت: «سعودی‌ها و چند کشور دیگر منطقه هنوز مایل‌اند جزئی از روند عادی‌سازی روابط خود با تل‌آویو باشند و ما دیر یا زود این هدف را تحقق خواهیم بخشید.» با این حال این مقام هیچ اشاره‌ای به نحوه موضعگیری فلسطینی‌ها در این خصوص نکرد، حال آنکه جریان‌سازان اصلی اتفاقات سه روز گذشته خاورمیانه رزمندگان شجاع حماس و جنبش جهاد اسلامی هستند که هر یک از فرایندهای روند عادی‌سازی روابط را واژگون و ویران کرده‌اند.

نقش چین در این میانه چیست؟

چین پیش‌تر تصریح کرده بود بدش نمی‌آید در روند عادی‌سازی روابط ریاض و تل‌آویو نقشی کم و بیش داشته باشد اما پس از تهاجم سترگ و کارساز رزمندگان فلسطین به صهیونیست‌ها در ۷۲ ساعت گذشته، در آن طرز نگرش تفاوت‌هایی حاصل شده است و به نظر می‌رسد دولت پکن از هر گونه مشارکتی در این پروژه ابا دارد. وزارت خارجه چین روز گذشته کوشید در بیانیه منتشر شده‌اش پیرامون طوفان‌الاقصی هم به طور آشکار طرف هیچ‌کس را نگیرد و صرفاً از آنها خواست نهایت خویشتنداری را به قصد رسیدن به آرامش در منطقه بروز دهند و فقط به تنش‌زدایی بیندیشند. در این بیانیه تأکید شده حفظ جان شهروندان و افراد غیرمسلح باید در اولویت امور قرار گیرد و بهتر است دو سوی ماجرا در این راه تعاملات لازم را داشته باشند. برای اسرائیل این نوع موضعگیری از جانب چین دردآور است زیرا گمان می‌کرد این غول شرق آسیایی برای ترمیم خسران‌های وارد شده به تل‌آویو که در ۵۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است، قدم‌های بلندتری بردارد. حالا اسرائیل از اینجا رانده و از آنجا مانده مجبور است بر میزان حملات کور خود در نوار غزه بیفزاید تا بلکه حماس عقب‌نشینی کند اما این هم یک آرزوی خام است. در واقع چین با پا پس کشیدن خود از هر گونه مداخله آشکار در روند طوفان‌الاقصی، تنها ماندن اسرائیل نگون‌بخت را در این مناقشه بزرگ بیش از پیش به رخ آنها کشید.

چگونه اسرائیل و امریکا این حمله بزرگ را پیش‌بینی نکردند؟

اسرائیل و امریکا آن‌قدر ادعاهای بزرگ در زمینه قوت سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی خود داشتند که پس از جاری شدن طوفان جانانه الاقصی و درهم کوبیده شدن بساط صهیونیست‌ها، اولین سؤالی که به ذهن هر ناظر منصفی رسید این پرسش بود که «چرا آنها این تهاجم گسترده از زمین، هوا و دریا را از قبل ندیده و تدابیری بازدارنده برای آن نیندیشیده بودند؟» جاناتان اسکانزر، مقام ارشد بنیاد موسوم به «دفاع از دموکراسی‌ها» روز دوشنبه گفت: «قصور امنیتی اسرائیل و لغزش اطلاعاتی امریکا در تشخیص آنچه در راه است، قطعاً نیاز به بررسی اساسی دارد. شاید دولت تل‌آویو بگوید همیشه از حماس کارهای بزرگ سرزده اما این‌بار اقدام این سازمان چنان تأثیرگذار بود که کل پایه‌های صهیونیسم لرزید و نشانه‌های فروپاشی آن رؤیت شد. بنابراین نهادهای امنیتی در واشنگتن و تل‌آویو هیچ توجیهی برای قصور بزرگی که در این زمینه مرتکب شده‌اند، ندارند.» اسرائیل در سال ۲۰۲۱ هم یک رویارویی عمده ۱۱ روزه با حماس داشت که ده‌ها کشته برایش به‌جا گذاشت و موجب شهادت دست‌کم ۲۶۰ فلسطینی هم شد. معلوم نبود در صورت طولانی‌تر شدن آن جنگ ضایعات صهیونیست‌ها تا کجا پیش می‌رفت اما اینک در چهارمین روز طوفان‌الاقصی مشخص است که در هر یک از سه روز گذشته لطمات وارده به اسرائیلی‌ها بسیار بیشتر از جنگ دو سال پیش آنها بوده است. در آن زمان، هم اسرائیل مایل بود جنگش با حماس زودتر تمام شود و هم کاخ سفید آنها را به چنان جانبی سوق می‌داد اما امروز مشخص نیست که اگر تل‌آویو هم رسماً خواهان آتش‌بس شود تا چه حد می‌تواند به این مقصود برسد. آنچه در مورد آن شکی وجود ندارد، موضع بسیار بالاتر حماس در این رویارویی در قیاس با رودررویی سال ۲۰۲۱ است و ابتکارعمل به حدی در دست فلسطینی‌هاست که امکان ندارد بدون رسیدن به اهداف استراتژیک‌شان روند پرشتاب فعلی را متوقف کنند.

آیا این رویداد بر اوکراین هم اثر می‌گذارد؟

امریکا دیروز (دوشنبه ۱۷مهر) سیل نیروهای کمکی و تسلیحاتی نظامی خود را به سوی اردوگاه اسرائیل روانه ساخت و این مسأله اولین سؤالی را که به ذهن متبادر می‌کند این است که آیا این رویداد لاجرم از حجم کمک‌های واشنگتن به اوکراین که درگیر جنگ ۲۱ ماهه و کم‌ثمر با روسیه است، خواهد کاست؟ خیلی‌ها در امریکا بر این عقیده‌اند که پنتاگون نباید بیش از ۴۰ میلیارد دلار را صرف تجهیز تسلیحاتی اوکراین می‌کرد. این انتقاد از مدت‌ها قبل از تحقق طوفان‌الاقصی شنیده و در همه جا مطرح می‌شد و اکنون بدیهی است که حجم اعتراض به این مخارج عظیم و کم‌اثر فزونی گرفته باشد. دیروز یک مقام پنتاگون تأثیرگذاری سریع و آشکار جنگ تازه خاورمیانه بر روند کمک‌رسانی به اوکراین را تکذیب کرد اما واقعیت امر این است که کاخ سفید اینک بیش از آن زیر ذره‌بین‌های نظارتی است که بتواند همان دست و دلبازی‌های گذشته را در حق اوکراینی‌ها داشته باشد.

منبع: Politico